

## امام خمینی (ره)،

## ادیب ناشناخته

علیرضا فرقانی

عارف واصل، بدان جهت که در رشد و غنای خرده‌ها و اندیشه‌های روزگار ما و نسل‌های آینده سهمی بسزا دارد نیز مفید است؛ بدان سبب که سبک ادبی هر نویسنده و شاعر، نمایانگر خلأ قیوت هنری و اندیشه‌درونی وی نیز می‌باشد.

ابن خلدون می‌نویسد:

ادب، عبارت از حفظ اشعار و اخبار عرب و فرا گرفتن از خرمن هر دانش، خوشه‌ای است و منظور از این دانش‌ها، علوم مربوط به زبان و علوم شرعی فقط از لحاظ متون آن‌ها است که عبارتند از قرآن و حدیث؛ زیرا در زبان عرب، مدخلی برای غیر این علوم نیست.<sup>۱</sup>

و برخی نیز بر این باورند که:

ادبیات، فطرتی است که صناعات ادبی آن را تباه می‌سازد.<sup>۲</sup> نیز در تعریف ادب آمده است:

ادب، عبارت از نثر و نظم است و سخن مستعمل فقط بر همین دو نوع است.

۱. مقدمه ابن خلدون، ص ۱۱۷۵.

۲. شخصیت ادبی سیدمرتضی، ص ۱۴۷.

تمهید

دیر زمانی بود که ابرهای سیاه جهل و بی‌دانشی نسبت به معارف اسلامی و حقوق حقه مسلمانان، بر کشور عزیزمان ایران سایه افکنده بود و فرزندان مسلمان آن از تابش نور معرفت حق محروم بودند.

ایرانیانی که در توسعه و گسترش و تحکیم مکتب تشیع و دفاع از آن جان فشانی‌ها کرده بودند، آن‌چنان در زیر ستم حاکمان و فرمانروایان جایر و دشمنان دین و قرآن، سر تسلیم فرود آوردند که گویا مغولان بر آنان تاخته، همگان را زبان و دست و پا بریده‌اند.

تا این‌که با فضل رحمانی، دوره‌سالاری برای مسلمانان ایرانی با تولد کوکبی درخشان و نورانی از فرزندان خاندان عصمت و طهارت (ع) آغاز شد. روح خدا در جان‌های مرده و از پافتاده همین ستمدیدگان، دمیده شد و چهره‌ای الهی در تاریخ معاصر قدم به عرصه هستی نهاد که بحق باید گفت در انقلاب علیه جهالت و ضلالت، پیرو راستین پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) بود.

شناخت این چهره‌فروزان فقه شیعه و عرفان اسلامی و فرهنگ اهل بیت عصمت (ع) در همه ابعاد، برای همگان، و بُعد ادبی ایشان برای اهل ادب، سودمند است؛ زیرا در انتقال مفاهیم و مضامین اسلامی با اسلوب‌های ادبی راه‌گشایی شایسته خواهد بود.

مقدمه

ما در این مقال، جنبه ادبی شخصیت امام خمینی (ره) این فرزانه و یگانه‌زمان خویش، بلکه قرون پیش از خود را بررسی می‌کنیم؛ زیرا بررسی سبک ادبی آثار این عالم و مجتهد و فقیه و

نثر سخنی است که بدون رعایت وزن و بر پایه سلیقه شخصی و گاهی با سجع و موازنه و تکلف [بدیعی] در کلام وارد می شود، ولی در این حالت نیز نثر است.

و نظم، کلامی است که در آن، وزن و قافیه رعایت می شود و هرگاه این نوع سخن (=نظم) با معانی نیکو و الفاظ شایسته و دقت تعبیر و اسلوب متین و حسن خیال ممتاز گردد که بر جان و روح اثر گذارد، شعر نامیده می شود.<sup>۳</sup>

باید اشاره نمود که هر یک از گونه های کلام (نثر و نظم) انواعی دارد که با بررسی آثار امام خمینی (ره) در هر دو گونه سخنشان، به آن خواهیم رسید و در جای خود بیان خواهد شد.

### نثر امام خمینی (ره)

امام راحل اثر ادبی خاصی ندارند؛ اما آنچه از آثارشان در بُعد ادبی می توان استخراج کرد، تا حدی قابل ملاحظه است و آن، برمی گردد به شرایط علمی و تأثیرات آن در جامعه تشیع که در کار ادبی شان نیز مفید بوده و ناچار، همه آثارشان را به گونه ای خاص به ادبیات پیوند زده است.

حضرت امام خمینی (ره) دارای ۲۴ اثر در فلسفه، کلام، منطق، اصول، فقه، اخلاق، حکومت اسلامی، علم الاجتماع، آداب و مباحث حقوقی، اقتصادی و سیاسی هستند.<sup>۴</sup> آثارشان نشان از آن دارد که امام جلیل القدر از ستین خردسالی به طور جدی در راه آموختن علوم و معارف الهی و اسلامی تلاش کرده و همه را به خوبی فرا گرفته اند؛ زیرا در جوانی به درجه اجتهاد رسیده و مرجع تقلید جهان اسلام و تشیع گردیده اند. در بیست و پنج سالگی دست به قلم برده، فقه اکبر و فقه اصغر را نوشتند.

در سال ۱۳۲۲ کتاب کشف الاسرار را در پاسخ به کتاب اسرار هزار ساله که ضد دین اسلام و مکتب تشیع و معتقدات مسلمانان بود و مسلک وهابیت و مرام کسروی گرایی را ترویج می کرد، در مدت بسیار کوتاه - یعنی یک ماه و نیم - به نگارش در آوردند.<sup>۵</sup> در این کتاب، نثر امام (ره) گاهی خطایی است و چون زمان برای پاسخ گویی بسیار اندک بود، لذا سرعت عمل در نگارش باعث گردید تا ادواتی به اصل ترکیب جملات افزوده و گاهی برخی ادوات از ترکیب اصلی جمله حذف گردد. همین حذف و اضافه را گاهی در اعلامیه ها و پیام هایشان ملاحظه می کنیم:

... و آن دورا در نفس و صورت و فعل و تدبیر متضاد و در حیز متحاذی دانستند [و] عقیده داشتند که جوهر نور نیکو و فاضل و خوش بو و خوش صورت و صاحب نفس

خیر خواه و حکیم و نافعست [=نافع است] ... و ظلمت در جمله این امور با [=از] آن جدا و مختلفست [=مختلف است].<sup>۶</sup>

چنان که ملاحظه می گردد، حضرت امام خمینی (ره) در فقره بالا، حرف ربط «و» را حذف نموده و به جای حرف «از»، «با» آورده اند؛ نیز فعل ربطی «است» را به مسند پیوند زده اند که بنا بر اصول آیین نگارش روا نیست. در جای دیگر می آورند:

اکنون شماها یا از قانون بی خبرید یا برای بی آبرویی، بدینداران دروغ می بندید.<sup>۷</sup>

پیدا است که کاربرد «شماها» و «بدینداران» در آیین نگارش درست نیست و باید به صورت «شما» و «به دینداران» کتابت گردد.

امام خمینی (ره) در بیانات خود در مدرسه فیضیه (۱۳/۳/۱۳۴۲) خطاب به محمدرضا شاه فرمودند:

آقا من به شما نصیحت می کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می کنم، دست بردار از این کارها، آقا اغفال دارند می کنند تو را.<sup>۸</sup>

که مطابق اسلوب جمله بندی باید می فرمودند: «از این کارها دست بردار، دارند تو را [=ترا] اغفال می کنند.»

همان گونه که بیان شد، سرعت عمل در ارسال پیام ها موجب گردید تا امام (ره) از اصول صحیح نگارشی و کاربرد درست جملات در سخنرانی ها و خطابه هایشان دور بمانند. اما با همه این امور، شاید بتوان گفت ایشان در ساده نگاری و روان گویی بدان سبب که با مردم هم زبانی کنند، از معاصران خویش پیشتر بوده اند.

این نکته نیز قابل ذکر است که برابر اظهار حضرت امام خمینی (ره) تمام اعلامیه های ایشان توسط خودشان نوشته می شد.<sup>۹</sup>

از دیگر کتب امام (ره) مکاسب محرّمه است که در سال ۱۳۳۹ نوشته اند که فقه استدلالی است. در سال ۱۳۴۷ کتاب البیع و در سال ۱۳۴۸ کتاب حکومت اسلامی را در مبحث

۳. تاریخ الأدب العربی، ۴۴/۱.

۴. لغت نامه دهخدا، ذیل خمینی.

۵. زندگی نامه سیاسی امام خمینی، ص ۱۹۱.

۶. کشف الاسرار، ص ۱۲.

۷. همان، ص ۲۷۱.

۸. صحیفه نور، ج ۱، ص ۵۵.

۹. ر. ک: وصیت نامه، ص ۶۷.

ولایت فقیه به رشته تحریر درآورده اند.

همان طوری که از کتاب های امام خمینی (ره) و خطابه ها و نوشته هایشان پیدا است، آن بزرگوار مدافع مکتب تشیع و ولایت فقیه بوده اند و آن جا که به دفاع از اندیشه خویش می پرداختند یا یک بحث اعتقادی طرح می کردند و یا پند و اندرز می دادند، کلام خویش را با برخی آرایش های لفظی و غنی سازی عبارات و گاهی ترادف، ارایه می نمودند که البته باید گفت این، برخاسته از اعتقاد شیعی آن امام بزرگوار (ره) بود.

ایشان در نامه ای به فرزند دلبندشان، مرحوم حاج سید احمد آقا (ره) از این گونه آرایش های لفظی بهره برده اند؛ مثلاً:

... آنچه توجه به آن شود و دنبال آن هر کس رود، چه در علوم و فضایل و فواضل، و چه در معارف و امثال آن ها و ...<sup>۱۰</sup>  
«شود» و «رود» و «فضایل» و «فواضل» الفاظ مسجوعند.

آن بزرگوار در بخشی از نامه ای که به خانم دکتر فاطمه طباطبایی، همسر مکرمه مرحوم حاج سید احمد آقا (ره) مرقوم داشته اند، چنین آورده اند:

و چنان به عمق اصطلاحات و اعتبارات فرو رفتم و به جای رفع حُجُب، به جمع کُتُب پرداختم که گویی در کون و مکان خبری نیست جز یک مشت ورق پاره که به اسم علوم انسانی و معارف الهی و حقایق فلسفی، طالب را که به فطرت الله مفلور است، از مقصد باز داشته و در حجاب اکبر فرو برده. اسفار اربعه با طول و عرضش از سفر به سوی دوست باز داشت؛ نه از فتوحات، فتحی حاصل و نه از فصوص الحکم، حکمتی دست داد...<sup>۱۱</sup>

در فقره منتخب، زیبایی لفظی «اصطلاحات و اعتبارات»؛ «حُجُب و کُتُب» در فن سجع و «اسفار اربعه»<sup>۱۲</sup> در توریه یا ایهام تناسب ملاحظه می گردد.

همچنین امام خمینی (ره) در این نامه با ذکر آیاتی از قرآن کریم و احادیث شریف، از فن اقتباس (از فنون بدیعی) بهره برده اند.

امام بزرگوار کتاب شرح چهل حدیث را در حدود چهل سالگی تحریر نمودند<sup>۱۳</sup>. ایشان در این کتاب از برخی صناعات ادبی بهره جستند؛ مثلاً در مقدمه کتاب می نگارند:

... و بعد، این بنده بی بضاعت ضعیف، مدتی بود با خود «حدیث» می کردم که چهل «حدیث» از «احادیث» اهل بیت عصمت و طهارت (ع) که ...<sup>۱۴</sup>

زیبایی در کنار هم قرار گرفتن الفاظ و جذابیت آن برای خواننده مشهود است.

همچنین آورده اند:

در هر یک از اعمال، در نفس اثری حاصل شود؛ اگر عمل نیکو و صالح است، اثر نورانی کمالی و اگر به خلاف آن است، اثر ظلمانی ناقص در آن حاصل شود، تا یک سره قلب یا «نورانی» شود یا «ظلمانی» و «منسلک» در «سلک» «سعداء» شود یا «اشقیاء».<sup>۱۵</sup>

و مانند:

... و شاید «جَدَوَات» و «جَدَبَات» خطابات الهی او را از خود بیخود کند ...<sup>۱۶</sup>

نیز:

این انکار و جحود، سرمایه تمام «ضلالت» و «جهالات» است و سبب وقوف و خمود است ... و آتش عشق را که رفرف معراج روحانی کمالی است خاموش می کند.<sup>۱۷</sup>

این گونه شاهدها در سراسر کتاب به چشم می خورد و برای پرهیز از اطالة کلام، از اشاره به آن ها خودداری می کنیم. همچنین از نقد و بررسی کتاب های دیگرشان در می گذریم و به بررسی اسلوب نثر ایشان می پردازیم.

حضرت امام (ره) با وجود آثار بسیار و در زمینه های گوناگون، اثر ادبی خاصی ندارند تا بتوان دیدگاهشان را در باب ادبیات جویا شد؛ اما از بررسی آثارشان می توان این گونه دریافت که امام خمینی (ره) با روح یک متکلم فقیه به کتابت می پرداختند.

۱۰. محرم راز، ص ۱۱.

۱۱. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۸۰.

۱۲. اسفار اربعه نام کتاب صدر المتألهین (ملاصدرا) است و نیز «اسفار اربعه» در نزد عارفان عبارت است از: ۱. سفر از خلق به سوی حق ۲. سفر از حق به سوی حق ۳. سفر از حق به سوی خلق ۴. سفر به سوی حق از خلق؛ که هر یک مراحل دارد (فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۸۹).

۱۳. ر. ک: شرح چهل حدیث، مقدمه ناشر.

۱۴. شرح چهل حدیث، ص ۱.

۱۵. همان، ص ۱۵۹.

۱۶. همان، ص ۵۰۰.

۱۷. همان، ص ۵۰۷.

دانش های شرعی محدود کنیم، می توان امام خمینی (ره) را ادیب دانست؛ زیرا آن حضرت در همه علوم شرعی و قرآنی مجتهد مسلم بوده اند.

و اگر مطابق قول گروه دوم، شخصیت ادبی امام خمینی (ره) را در نظر بگیریم، گفته می شود امام در کتاب ها و مکاتبات و رسایل خویش، پای بند صناعات ادبی نبودند تا دچار تباهی گردند؛ لذا به ترسَل و بدون تکلف می نوشتند و از پای بست های لفظی کاملاً دور بوده اند.

اگر چه نمی توان سبک نگارش هر نویسنده ای را به طور مشخص در یکی از شیوه های ادبی قرار داد و هر نویسنده، شیوه منحصر به فردی دارد، اما با بررسی به عمل آمده می توان نشر امام را از نوع ادب توصیفی (تعلیمی) برشمرد؛ زیرا تفکر خاصی را آموزش می دهد و نوع کار ادبی شان که خطابه گونه است، در آثارشان کاملاً هویدا است و از آن جا که گاهی نوع ادبی در آثار بزرگان تبدیل به سبک می شود، لذا شیوه نگارش امام بزرگوار در زمره سبک ویژه در آمده است که پیروانی هم دارد.

#### شعر امام (ره)

ابتدا باید نکاتی را ذکر کنیم تا ارزش و هدف و ویژگی های شعر امام روشن گردد:

نخست آن که امام از دوران جوانی خویش شروع به سرودن شعر نموده، کم و بیش آن را ادامه دادند؛ اما بیشترین سروده هایشان را در سال های پایانی عمر گران مایه و با ارزششان مشاهده می کنیم.

۱۸. اثر تعلیمی، اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد که در آثاری، عناصر و مایه های ادبی کمتر و در آثار دیگر بیشتر است. (انواع ادبی، ص ۲۴۷)

۱۹. مترسَل کسی است که از تکلف در الفاظ دور بوده، نوشته هایش ساده و دور از غلو در آراستگی است؛ کلامش غامض نبوده، بلکه واضح و آشکار است و بر اساس همان قول که «خیر الکلام ما قل و دل و لم یعمل» به مقداری که لازم می نماید از اطاله فاصله داشته و موجز است و با اقتضای حال مخاطب یا مخاطبان مناسب دارد و زیبایی ای دارد که بر نیکویی عبارت متکی است و به سخن درخشندگی و رونق می دهد. (المعجم المفصل... ج ۱، ص ۳۸۱)

۲۰. این نوع ادبی، اغلب در چهارچوب نامه های میان دوستان صمیمی و برادران، با یادآوری روزهای خوش گذشته، با آرزوی روزهای آینده و وفاداری به پیمان ها که یاران به آن پای بند هستند، قرار می گیرد. همچنین قدرت لغوی و فکری و ادبی نویسندگان آن ها، آن گونه که در زمانشان رایج است، در آن نوشته ها نمایان می گردد. (المعجم المفصل، ج ۱، ص ۵۸)

ادبیات توصیفی (تعلیمی)<sup>۱۸</sup> ایشان شامل گرایش های علمی و اعتقادی ای است که به نوعی با کار ادبی بیان شده و بیش از زیبایی های تصویر و تعبیر ادبی، به بیان حقایق محتوایی در مباحث علمی و کلامی پرداخته است و تنها به مقداری از آن اکتفا کرده اند که اندیشه و ذهن را تیز و پربار می نماید.

آن زعیم مسلمانان در آثارشان - اعم از تألیفات، پیام ها و اعلامیه ها - اسلوبی ادبی و خطابی، و نثری آهنگین و تاحدی موزون داشته اند؛ گویا در محفلی سخن می گویند یا بر فراز منبری با توانایی به خطابه می پردازند؛ زیرا در اسلوب خطابی باید سخن در گوش شنونده یا ذهن خواننده و پس از آن در جاننش نفوذ کند تا مؤثر گردد.

ولی آثار فقهی شان این گونه نیست؛ بدان معنی که ایشان به صناعات لفظی نپرداخته و اسلوبشان خطابی نیست، بلکه عباراتشان روان و بدون هر گونه تکلفی است. بالاخره آن که امام خمینی (ره) در ادبیات توصیفی و تعلیمی، عبارت پردازی و به کارگیری عبارات مصنوع و مسجع را در نظر نداشته اند.

اما در ادبیات انشایی - که به دو بخش نثر و نظم تقسیم می گردد - متون نثر ایشان بدون پیروی از روش خاصی، گاهی عباراتی ساده و روان دارد؛ یعنی از نوع «ترسَل» است و گاهی عباراتشان آمیخته به سجع و گاهی ترکیبی از هر دو گونه است. سجع در آثارشان کاملاً طبیعی و دور از تکلف است و به نظر می رسد بسیار کم با تکلف به سجع پرداخته اند.

ویژگی آن بزرگوار در نثرشان این گونه است که بیش از لفظ، به معنا و محتوا اهمیت می دهند و به عبارتی، «مترسَل»<sup>۱۹</sup> هستند. امام (ره) در نثر خود، فن ترسَل را دنبال می کنند، اما نوع کارشان از «اخوانیات»<sup>۲۰</sup> است؛ زیرا پیام هایشان را خطاب به مردم و اشخاص عادی، با عظوفت و به دور از جنبه قدرت و سلطنت به رشته تحریر می کشند. همچنین نامه های مکتوب شان به خانم دکتر فاطمه طباطبایی، همسر محترمه فرزند عزیزشان مرحوم حاج احمد آقا (ره) و نامه های خطاب به فرزندان، از نوع اخوانیات در فن ترسَل است.

در پایان بررسی نثر امام این نتیجه به دست می آید که اگر بنا به گفته ابن خلدون، ادب را به دانش علوم قرآنی و احادیث نبوی و

دوم آن که امام طبعی روان داشته و برخی اوقات شعر را بالبداهه می سرودند و گاهی به مناسبتی خاص و در زمانی نزدیک به هم یا در یک زمان، چند شعر می سرودند.<sup>۲۱</sup>

سوم، ایشان بنابر موقعیت دینی و اجتماعی و خصوصاً اعتقاد به عرفان عملی شان شعر می سرودند؛ لذا مدایح در دیوان شان بسیار کم است و فقط چند مدیحه در باب ائمه اطهار (ع) و بزرگان دین دیده می شود.

در دیوان شان شعر هجا یافت نمی شود؛ بلکه بیشتر به مدعیان ظاهر پرست هشدار می دهند و سبب آن، معرفت شان نسبت به حضرت حق است که هر چیز را با حکمت خلق می کند. اما بیشترین اشعار شان عرفانی است که هدف اساسی و اصلی سروده هایشان می باشد.

چهارم، از آن جا که کار اصلی امام (ره) سرودن شعر نبوده - چنان که برخی شاعران این گونه اند - و اگر چه فعالیت های دینی و اجتماعی، ایشان را از شعر دور نساخته بود، اما طبیعی است که مانع سرودن اشعار شده و از آن کاسته است.

ولی با توجه به تلاش کم ایشان در شعر، اشعار شان از شعرای برجسته و حرفه ای که جز سرودن به کار دیگری نمی پردازند، چیزی کم ندارد و می توان گفت در برخی سروده ها برتر نیز می باشد. لکن امام (ره) هیچ گاه چنین ادعایی نکردند، بلکه با علو طبع و بزرگ منشی، بیتی می سرایند که خویشتر را کمتر از شاعران نامی تصور می کنند؛ ایشان سروده اند:

شاعر اگر سعدی شیرازی است

بافته های من و تو بازی است<sup>۲۲</sup>

قابل توجه این که این بیت را در اواخر عمر گران قدر شان در سال ۱۳۶۵ یعنی پختگی کامل می سرایند.

پنجم، ایشان در انواع گوناگون شعر به سرودن پرداخته اند. دیوان شان را بیش از صد غزل با ابیاتی در شمار مختلف و حدود صد رباعی و سه قصیده مدحیه با بیش از چهل بیت، در هر یک، دو مسمط، یک ترجیع بند، یک مثنوی، پنج قطعه کوتاه و بلند و ابیات پراکنده و تک بیتی، تشکیل می دهد.

امام خمینی (ره) در به کار گیری سبک های مرسوم کلاسیک شعر فارسی، در اشعار بلند خویش، یعنی مسمط ها و قصاید، از سبک های خراسانی و هندی بهره بردند که این دو سبک، در اشعار ایام شباب ایشان دیده می شود.<sup>۲۳</sup> در این اشعار بلند که در سبک های خراسانی و هندی سروده شده، بیشترین صنایع بدیعی و مشهورترین آن ها، همچون استعاره، تشبیه، انواع جناس و ... را مشاهده می کنیم.<sup>۲۴</sup>

ولی غزلیات و رباعیات و قطعات ایشان، در سبک عراقی

سروده شده است که این سبک «بیشترین جلوه را در ادب پارسی دارد و آن، در ادب غنایی می گنجد؛ زیرا از نظر زبان، موسیقی کلام دلنشین تر است و از لغات و الفاظ خشن استفاده نمی شود. جملات به ترکیب طبیعی خود در زبان نزدیک تر است.

از نظر فکری، از مسائل درونی سخن می گوید. عموماً قلمباره است نه شادی آفرین، و همچنین عاشقانه است نه عاقلانه. بیشتر در قالب های غزل و رباعی و مثنوی به کار می رود و سرشار از صناعات بیانی و بدیعی است.<sup>۲۵</sup>

با توجه به این که غزل و رباعی در ادب غنایی (سبک عراقی) جای می گیرد، امام (ره) در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و تصویر جزئیات و نیروی تخیل و نیز به کار بردن صناعات بدیعی و فنون بلاغی و در یک کلام «هنر شعری» از شاعران پیشین خود که در مسلک عرفان و فلسفه منسلک بوده اند، چیزی کم ندارد.

ایشان در غالب اشعار شان فن مراعات النظیر و تنسیق الصفات را که «تناسب میان دو لفظ و دو معنی»<sup>۲۶</sup> است، به کار گرفته اند که این نشانه ای از روح عرفانی و متفائل و خوش بینانه و آگاهی شان نسبت به کلمات و مفاهیم موافق و ملائم است.

آن بزرگوار در اشعار شان از مضامین مشترک میان شاعران بزرگ عارف، همچون عطار و سعدی و حافظ و دیگران، و نیز گاهی از الفاظ آنان، بهره جستند و همان گونه که این شاعران در اشعار شان روی به معشوق آسمانی داشتند و از ادب غنایی پیشرفته، یعنی ادب عرفانی، استفاده می کردند، امام خمینی (ره) نیز در وصف علو معشوق آسمانی و آرزوی تقرب به آستانش شعر می سرودند.

۲۱. مانند رباعی های «پرچم»، «جمهوری ما» و «عید» که هر سه در تاریخ دوازدهم فروردین ۱۳۶۳ به مناسبت روز جمهوری اسلامی سروده شد.

۲۲. دیوان امام، ص ۳۱۴.

۲۳. در میان سال های ۱۳۰۹ الی ۱۳۲۴ شمسی.

۲۴. مسمط «در توصیف بهاران» با ۴۶ بند؛ قصیده «در مدح ولی عصر (عج)» با ۴۳ بیت؛ قصیده «بهاریه انتظار» با ۴۶ بیت؛ قصیده «مدیحه نورین نیرین» با ۴۴ بیت.

۲۵. انواع ادبی، ص ۱۲۶.

۲۶. فنون بلاغت و صناعات ادبی، ص ۲۵۷ و ۲۹۶.

بهره‌گیری امام (ره) از حافظ شیرین سخن در استفاده از برخی الفاظ و برخی مفاهیم مشاهده می‌گردد؛ آن‌جا که حافظ می‌سراید: ۳۵

ألا یا آیها الساقی أدر کأسأ و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

و حضرت امام (ره) سروده‌اند: ۳۶

ألا یا آیها الساقی برون بر حسرت دل‌ها

که جامت حل نماید یک سره اسرار مشکل‌ها

در جایی از دیوان امام (ره) رباعی زیر دیده می‌شود: ۳۷

افسوس که ایام جوانی بگذشت

حالی نشد و جهان فانی بگذشت

مطلوب همه جهان نماند است هنوز

دیدنی همه عمر در گمانی بگذشت

گویا مفهوم بیت اول این رباعی و برخی الفاظ آن از رباعی

حکیم عمر خیّام مأخوذ شده است؛ آن‌جا که عمر خیّام می‌سراید: ۳۸

افسوس که نامه جوانی طی شد

وان تازه بهار زندگانی طی شد

آن مرغ طرب که نام او بود شباب

افسوس ندانم که کی آمد، کی شد

پیدا است که ایشان دواوین بیشتر شاعران عارف و فلاسفه و حکما

را به طور جدی مطالعه نموده و از الفاظ و مفاهیم آن‌ها متأثر شده‌اند.

نیز تأثیر این عالم ربّانی از قرآن کریم را در اشعارشان مشاهده

می‌کنیم؛ امام (ره) سروده‌اند: ۳۹

هر طرف رو کنیم تویی قبله

قبله! قبله نما نمی‌خواهم

که با مفهوم این بخش از آیه قرآن مطابق است:

«فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» . ۴۰

۲۷. دیوان عطار نیشابوری، ص ۴۶۳.

۲۸. دیوان امام، ص ۱۶۰.

۲۹. کلیات، غزلیات، ص ۳۰۶.

۳۰. دیوان امام، ص ۱۵۶.

۳۱. گلستان، ص ۳.

۳۲. دیوان امام، ص ۶۴.

۳۳. همان، ص ۱۰۴.

۳۴. دیوان حافظ، ص ۱۴۳.

۳۵. همان، ص ۱.

۳۶. دیوان امام، ص ۴۶.

۳۷. همان، ص ۲۰۱؛ امام این رباعی را در سال ۱۳۶۳ و در دوران شیخوخت،

یعنی در سنین پایانی عمر گران‌مایه و پربار خویش سروده‌اند.

۳۸. رباعیات خیّام، ص ۶۷.

۳۹. دیوان امام، ص ۱۶۰.

۴۰. بقره (۲): ۱۱۵.

به نمونه‌هایی از این تأثیر اشاره می‌کنیم:

عطار نیشابوری سروده است: ۲۷

درد دل را دوانمی دانم

گم شدم سر ز پانمی دانم

امام (ره) سروده‌اند: ۲۸

درد خواهم دوانمی خواهم

غصه خواهم نوانمی خواهم

مضمون بیت امام خمینی (ره) با مصراع نخست بیت عطار

در یک سو قرار دارد.

نیز سعدی شیرازی سروده است: ۲۹

یک امشب که در آغوش شاهد شکر

گرم چو عود به آتش نهند، غم نخورم

و امام (ره) سروده‌اند: ۳۰

یک امشب که در آغوش ماه تابانم

ز هر چه در دو جهان است روی گردانم

ملاحظه می‌گردد که امام (ره) مصراع نخست بیت را بدون

هیچ کاستی در لفظ، از بیت سعدی، و مفهوم مصراع دوم را از

مصراع دوم بیت سعدی متأثر شده‌اند.

همچنین به نظر می‌رسد، امام (ره) در جایی دیگر، هم در لفظ و هم

در معنا از سعدی تأثیر پذیرفته‌اند؛ چنان‌که شیخ اجل سروده است: ۳۱

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر

ما همچنان در اول وصف تو مانده ایم

و امام (ره) سروده‌اند: ۳۲

عمری گذشت و راه نبردم به کوی دوست

مجلس تمام گشت و ندیدیم روی دوست

مظاهر تأثیر امام (ره) از حافظ شیرازی را در بیت زیر مشاهده

می‌کنیم؛ چنان‌که امام سروده‌اند: ۳۳

کاش روزی به سر کوی توأم منزل بود

که در آن شادی و اندوه، مراد دل بود

و حافظ سروده است: ۳۴

یاد باد آن که سر کوی توأم منزل بود

دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

مصراع نخست بیت امام دقیقاً مصراع نخست خواجه شیراز

است و مصراع دوم در مفهوم برابر قرار دارد.



- محمدعلی فروغی و دکتر قاسم غنی، تهران، انتشارات گنجینه، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۷. زندگی نامه سیاسی امام خمینی (ره)، رجبی، محمدحسن، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ ش.
۸. شخصیت ادبی سیدمرتضی، محیی الدین، عبدالرزاق، ترجمه جواد محدثی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
۹. شرح چهل حدیث، خمینی، روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. صحیفه نور، خمینی، روح الله، جلد اول، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۱. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سجادی، سیدجعفر، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، تهران، مؤسسه نشر هما، چاپ پنجم، ۱۳۶۷ ش.
۱۳. کشف الاسرار، خمینی، روح الله، انتشارات آزادی، قم.
۱۴. کلیات، سعدی، مصلح بن عبدالله، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات اقبال، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. گلستان، سعدی، مصلح بن عبدالله، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات اقبال، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.
۱۶. لغت نامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر، جلد ششم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۳ ش.
۱۷. محرم راز، خمینی، روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۶۹ ش.
۱۹. المعجم المفصل فی اللغة و الأدب، بدیع یعقوب، امیل و میشال عاصی، المجلد الثانی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
۲۰. وصیت نامه سیاسی - الهی، خمینی، روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ ش.
۴۱. اشاره است به اشتها جدامام خمینی، مرحوم آقا سید احمد، معروف به سید هندی که از کشمیر هندوستان مهاجرت نمود. (زندگی نامه سیاسی امام خمینی، ص ۱۰۹).
۴۲. دیوان امام، ص ۱۹۹.

و کلام آخر این که امام خمینی (ره) را همه فقیهی کامل، عارفی واصل، حکیمی محقق، مرشد و مرادی مهذب و بالاخره فرزانه ای که در دانش و عمل به آن، پله های کمال را پیموده و قله های بلند و رفیع را در این طریق فتح نموده و به دیدار جمال جمیل محبوب نایل گردیده اند، می شناسیم؛ ولی متأسفانه هیچ گاه ایشان را با عنوان «ادیب» نشناخته ایم؛ زیرا هیچ اثر ادبی خاصی از خویش به جای نگذاشته اند، جز همان دیوان اشعار که تا پیش از رحلتشان کاملاً ناشناخته بود و دیگران سروده های پراکنده شان را گردآورده اند.

آن عظیم القدر در سنین جوانی، در شش غزل و یک قصیده و یک مسمط و یک قطعه تخلص «هندی»<sup>۴۱</sup> نموده اند؛ ولی در غیر از موارد یاد شده هرگز تخلص نکردند؛ زیرا مهذب النفس بودند و قصد ارایه خود نداشتند.

اکنون با بررسی ادبی آثار و اشعارشان آیا باز هم می توان گفت: آن فقیه اعظم، دور از میدان ادبیات بودند و در آن، میدان داری نکردند؟!

در پایان، نگارنده با یک رباعی از آن امام شاعر و ادیب، علاقه خویش را به آن ساحت مقدس ابراز می دارد:

آن دل که بیاد تو نباشد دل نیست  
قلبی که به عشقت نطبد جز گل نیست  
آن کس که ندارد به سرکوی تو راه  
از زندگی بی ثمرش حاصل نیست<sup>۴۲</sup>

\*\*\*

روح قرین رحمت حق و جایش در جنت حق پایدار باد

کتاب نامه

۱. انواع ادبی، شمیسا، سیروس، تهران، انتشارات فردوس، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش.
۲. تاریخ الأدب العربی، فروخ، عمر، الجزء الاول، الطبعة الخامسة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۴ م.
۳. دیوان امام، خمینی، روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ ش.
۴. دیوان حافظ، حافظ، شمس الدین محمد، بر اساس نسخه علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران، انتشارات فارابی، ۱۳۷۵ ش.
۵. دیوان عطار نیشابوری، عطار، محمد بن ابراهیم، به اهتمام و تصحیح محمود تفضلی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۸۰ ش.
۶. رباعیات خیام، خیام، عمر بن ابراهیم، بر اساس نسخه